

موضع درباره پژاک (حزب حیات آزاد کردستان) و ارتباط آن با مطالبات و خواسته‌های خلق کرد در کردستان ایران

ابتدا برای اینکه تاریخچه و مواضع پژاک را بدرستی مورد دقت قرار دهیم میبایست در وحله نخست نگاهی داشته باشیم به تاریخچه پ - ک - ک و ارتباط آن با خواسته‌های خلق کرد در کردستان ترکیه . و اما نخست مختصری در مورد ساختار اقتصادی - اجتماعی کردستان.

جنبش انقلابی خلق کرد در بخشهای مختلف آن بسیاری از جریانات را در دامن خود پرورانده و جریانات مختلف در مسیر مبارزه خلق کرد هر کدام با خاستگاه طبقاتی مختلف و متمایز از یکدیگر و همچنین دارا بودن منافع اقتصادی - سیاسی و اجتماعی متفاوت ، و برغم وجود هر دم رشدیابنده تضاد اساسی یعنی تضاد طبقاتی ، اما توانسته اند بر بستر تضاد اصلی یعنی تضاد ملی ، نمایندگی افکار اجتماعی بخصوصی را بعهده گیرند . از ابتدای قیامهای عشایری شمال تا جنوب و شرق تا غرب کردستان تا قیامهای سازماندهی شده تحت رهبری جریانات ناسیونالیست تضاد اصلی همانا تضاد ملی بوده و برغم ستمهای عدیده طبقاتی و خواست های عمیق اقتصادی واجتماعی نیروی محرک اصلی برای شورشهای عمومی خلق کرد همانا استفاده از وجود ستم ملی و تضاد اصلی در این جوامع بوده است . با در نظر گرفتن چنین تحلیلی از وجود تضادهای درون جامعه کردستان و تعیین تضاد اصلی ، تعیین شکل مبارزه و یا تاکتیک اصلی با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و همچنین آداب و رسوم رایج در درون جامعه کردستان ، مبارزه مسلحانه بمنظور حل تضادها و تضاد اصلی یعنی تضاد ملی ، به شکل و شیوه اصلی و یا تاکتیک محوری مبارزه برای گسترش و تبلیغ برنامه و پروگرام جریانات اجتماعی تبدیل گشته است.

ساختار اجتماعی - اقتصادی کردستان با قدری تفاوت در بخشهای مختلف این سرزمین بطور کلی عبارت است از ساختار سرمایه داری که هنوز هم بقایای سیستم فیودالی نه بعنوان یک طبقه بلکه بعنوان نیرویی که هنوز از امکانات مالی برخوردار است تا اینکه سرمایه خویش را در شهر و روستا به جریان اندازد ، در آن به حیات خویش ادامه میدهد . رشد بورژوازی تجاری و به جریان افتادن سرمایه آنان در بخش دلالی بازار نشاندهنده این واقعیت است که بورژوازی روستا منافع خویش را در به جریان انداختن سرمایه خود در شهرها و در داخل بازار یافته است . به همین خاطر در هیچ بخشی از سرزمین کردستان بورژوازی صنعتی فرصت رشد نیافته و از چهارچوب بورژوازی تجاری پا را فراتر ننهاده است . (در کردستان جنوبی یعنی کردستان عراق در حال حاضر که زمینه های رشد بورژوازی از هر زمان دیگری مناسبتر میباشد ، این واقعیت به خوبی خود را نمایان میسازد و در این بخش از کردستان بورژوازی کرد حاکم است از امکانات مادی و معنوی فراوانی نیز برخوردار میباشد برای اینکه سرمایه خویش را در هر بخش تولیدی و توزیع که میخواهد به کار بیندازد . اما هنوز هم به خاطر عقب افتادگی خود بورژوازی کرد و همچنین عقب افتادگی جامعه بورژوازی از آن هراس دارد که در بخشی بجز واردات کالا و توزیع آن سرمایه گذاری نماید

((جریانات سیاسی کرد ، چه اقشار و طبقات اجتماعی را نمایندگی میکنند ؟

آنچه گفتیم مختصری بود در مورد وضعیت بورژوازی شهر و روستای کردستان . اما اینکه جریانات سیاسی کردی چه اقشار و طبقات اجتماعی کرد را نمایندگی میکنند ، بایستی ملاک و معیار چنین ارزیابی را خاستگاه طبقاتی هر جریان سیاسی از ابتدای تاسیس و اعلام موجودیت آن قرار دهیم . و یا اینکه هر جریان سیاسی در تیوری و پراتیک از منافع طبقاتی چه قشر و طبقه ای دفاع نموده و در جریان تکامل جامعه و شیوه های تولید و توزیع و همچنین رشد روابط و مناسبات تولیدی و تعمیق مبارزه طبقاتی و صف بندیهای جدید طبقاتی در درون جامعه لاجرم و بنا به خاستگاه طبقاتی خویش به کدام سوی و دفاع از منافع طبقاتی چه قشر و طبقه ای میپردازند . واضح است که مواضع هر جریان سیاسی با در نظر گرفتن خاستگاه طبقاتی آن یعنی دفاع از منافع طبقاتی طبقه و اقشار اجتماعی بخصوصی با گذشت زمان و رشد و تکامل شیوه های تولیدی و به تبع آن تغییر در ساختار اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و همچنین تغییر در صف بندیهای طبقاتی درون جامعه ، تغییر خواهد کرد لذا بطور مثال جریانی که تا مرحله ای از مبارزه در صف انقلاب پرچم مبارزه بر علیه ستم طبقاتی ، جنسی و ستم ملی را برافراشته بود ، اینک ممکن است با تغییر اوضاع حتی نتواند برنامه و پروگرام شفاف و واضحی برای حل چنین تضادی در جامعه ارایه دهد . طبیعتا هیچ حزبی از جمله حزب حیات آزاد کردستان نیز نمیتواند از این امر مستثنی باشد.

گذری بر زمینه های عینی و ذهنی شکل گیری حزب کارگران کردستان (پ - ک - ک) (ک) مادر پژاک

تاریخچه حزب کارگران کردستان به ۳ مرحله خلاصه میشود:

۱- از ابتدای شکلگیری روابط و مناسبات سرمایه داری در کردستان ترکیه و آغاز فعالیتهای روشنفکرانه دسته ای از دانشجویان مبارز در آنکارا از سال ۱۹۷۰ تا تاسیس این جریان در سال ۱۹۸۰

۲- از زمان تاسیس این جریان تا هنگام وقوع جنگ مابین این جریان و جریانات کرد کردستان جنوبی (کردستان عراق) و گسترش جنگ خلق کرد در کردستان ترکیه بر علیه حکومت مرکزی و جریانات همپیمان با حکومت مرکزی ، یعنی تا سال ۱۹۹۰ و پیش از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و اردوگاه سوسیالیستی

۳- تغییر در سیاستهای پ - ک - ک به خاطر عواملی همچون سقوط اتحاد جماهیر شوروی و همچنین رشد و گسترش روابط و مناسبات سرمایه داری در کردستان ترکیه و صف بندیهای جدید در درون ساختار طبقاتی کردستان ترکیه.

سال ۱۹۷۰ دسته ای از دانشجویان دانشگاه آنکارا تحت تاثیر قیام آزادیخواهانه خلق ویتنام و همچنین مبارزه دانشجویان چپ ترکیه طی آن سالها ، خود را برای تیوریزه کردن انقلاب کردستان آماده میکردند . در آنزمان شرایط عینی و ذهنی برای قیام در کردستان مهیا بود . عینی به این معنی که طبقات سرمایه دار و کارگر کردستان دو طبقه اصلی ساختار اجتماعی کردستان را تشکیل میدادند و در این میان افشار بینابینی مانند خرده بورژوازی با تمامی تقسیمات آن به دنبال منافع و مصالح اقتصادی و اجتماعی خویش بود و تمامی افشار و طبقات اجتماعی نامبرده نیرو و جریان نماینده خود را تشکیل میدادند و در این میان طبقه تازه به میدان آمده کارگر کردستان با شکلگیری تازه خود و همچنین ناهمگونی و سطح نازل آگاهی اجتماعی و طبقاتی خویش نتوانست جریان سیاسی خویش را بعنوان نیرویی بمنظور دفاع از منافع و مصالح طبقاتی خویش سازمان دهد و از رسالت تاریخی خویش باز ماند و وظیفه خویش را به خرده بورژوازی فقیر و تهیدست روستا و همچنین خرده بورژوازی متوسط مرفه روستا و شهرها که منافع آنان در این مرحله با منافع طبقه کارگر در تضاد با منافع سرمایه داری بزرگ بود ، واگذار کرد.

شرایط ذهنی نیز بخاطر وجود سالها ستم و اجحاف ملی - طبقاتی - جنسی و . . . و سرکوب ددمنشانه خلق کرد کردستان ترکیه توسط حکومتهای فاشیستی ترکیه برای برپا کردن قیامی سازماندهی شده و خارج از شکل و غالب عشایری آماده بود . دوران فعالیت ایدیولوژیکی گروه مابین سالهای ۱۹۷۰ تا ۷۵ بطول انجامید و انقلاب کردستان را تیوریزه کردند.

سال ۱۹۷۶ کمیته مرکزی انتخاب شد . کمیته مرکزی از ۲ نفر تشکیل شده بود : رهبر و چند نفر جانشین وی ((به نامهای حقی و شخص دیگری به نام قمر اوزکان که قبل از آن عضو گروه چپگرای کاپیا کایا بود و به خاطر خیانت قمر اوزکان گروه کاپیا کایا توسط پلیس ترکیه متلاشی شد و تمامی اعضای گروه توسط پلیس دستگیر و یا کشته شدند . بعد از آشکار شدن خیانت قمر اوزکان افراد مسلح گروه او را در شهر درسیم ترور نمودند . حقی نیز توسط گروهی به نام سناره سرخ در شهر عنتاب ترور شد .)) در سال ۱۹۷۸ تاسیس پ - ک - ک توسط گروه رسما اعلام گردید.

جریانات سیاسی کردی در شمال کردستان یعنی کردستان ترکیه عموماً بعد از دهه ۸۰ میلادی بخصوص بعد از کودتای ۱۹۷۲ و رشد بورژوازی در کردستان و بوجود آمدن طبقات و افشار جدید در سیستم جدید ، تشکیل گردیدند و عموماً تحت تاثیر شعارها و برنامه و پروگرام التقاطی خرده بورژوازیانه آغشته به سوسیالیسم و در مراکز روشنفکری یعنی دانشگاههای آنکارا بمنظور حل ستم ملی در کردستان فعالیت خود را آغاز نمودند . پ - ک - ک نیز بعنوان جریانی از این جریانات و با بینشی التقاطی خرده بورژوازی که منافع و مصالح قشر خرده بورژوازی روستا و شهرهای کردستان ترکیه را نمایندگی میکرد از همان آغاز اعلام موجودیت خویش در دشمنی با دو جبهه متفاوت قرار گرفت.

نخست در دشمنی با بقایای نظام قبلی ، یعنی سیستم عشایری و فیودالی که خود را در غالب جنگهای این جریان بر علیه عشایر کردستان آشکار کرد و دیگری بر علیه تفکرات چپ ترکیه که در اساس هرچند چپ ترکیه خود نیز نتوانسته بود در مقابل اعمال فاشیستی حکومت ترکیه در قبال کردها و حق تعیین سرنوشت این خلق موضع قاطعی اتخاذ کند ، اما دشمنی پ - ک - ک و حتی حمله مسلحانه آنها به جان فعالین چپ در کردستان ترکیه نشاندهنده آن بود که جریان پ - ک - ک از نظر طبقاتی قادر به

اتخاذ موضع بسود سرمایه داری تازه به دوران رسیده و پرولتاریای تازه کرد نیست . به همین دلیل پ - ک - ک از آغاز جنگ خود بر علیه بقایای فیودالی بمنظور دفاع از منافع قشر خرده بورژوازی پایین شهر و روستا را شروع نمود و به خاطر آنکه سیستم فیودالی به سرعت و به دلیل رشد و تکامل شیوه و روابط و مناسبات تولیدی سرمایه داری تازه در آغاز دهه ۸۰ نیرو و توان خویش را بعنوان طبقه بمنظور دفاع از منافع و همچنین حفظ روابط و مناسبات نظام مطبوعش از دست داده بود ، از نظر سیاسی و اقتصادی تسلیم روابط و مناسبات اجتماعی جدید گردید.

حکومت مرکزی ترکیه نیز که به امپریالیسم آمریکا وابسته بود و بعنوان پایگاه داخلی آن همکار و همپیمان حکومت پهلوی در ایران بود برای حفظ منافع امپریالیسم در منطقه به وحشیانه ترین شیوه ممکن جنبش خلق کرد را سرکوب مینمود . به همین خاطر در چنین شرایطی تضاد خلق و حکومت مرکزی که حافظ منافع امپریالیسم بود ، غیر مستقیم بعنوان تضاد خلق و امپریالیسم تحلیل میشد . چپ ترکیه این واقعیت را آنزمان درک کرد اما از واقعیت ستم ملی و وجود تضاد اصلی که میبایست تضادهای دیگر جامعه سرمایه داری را در جامعه عقب افتاده کردستان از آن کانال حل کرد ، عاجز و ناتوان بود . چپ ترکیه نتوانست خود را از تأثیرات سیاست احزاب برادر و اتحاد جماهیر شوروی رها سازد . این وضعیت چپ پاسیو و در جبهه اتحاد شوروی در ترکیه بود.

چپ اکتیو نیز هر چند در مقابل سیاستهای رویزیونیستی و رفورمیستی چپ پاسیو ایستاد و مبارزه قهر آمیز خویش را بر علیه دیکتاتوری اعلام نمود ، اما خود را به مناطق ترک نشین ترکیه محدود ساخت و نتوانست مبارزه خلقهای تحت ستم مانند خلق کرد را تحت رهبری خویش در آورد و آنرا سازماندهی کند . و در این وضعیت بود که چپ ترکیه میدان را در کردستان به جریان خرده بورژوا واکذار کرد . چپ ترکیه میبایست همپیمانان خود را از میان اقشار فقیر و تهیدست و متوسط ناراضی از گسترش روابط و مناسبات اجتماعی سرمایه داری انتخاب مینمود . به همین دلیل پ - ک - ک بعنوان نماینده خرده بورژوازی روستا و شهر از همان آغاز به دلیل سیاست ضعیف و پاسیو چپ ترکیه و از طرفی دیگر رشد و گسترش روابط و مناسبات تولیدی سرمایه داری و تغییر ساختار سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کردستان به جانب ناسیونالیسم گرایش یافت.

در شرایط بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی تاکنون بورژوازی خلقهای تحت ستم برای بدست آوردن سهم بیشتر و مشارکت در حاکمیت و قدرت و سرمایه شعار استفاده از خواست و اراده خلقهای تحت ستم را پیش کشیده به این معنی که اگر امپریالیسم و سرمایه قطبی جهانی میباشند و بر جهان حاکمند ، اراده خلقهای تحت ستم نیز نه برای تغییر روابط و مناسبات استثمارگرانه سرمایه درای بلکه بمنظور حفظ منافع سرمایه جهانی از خطر محدود نمودن آن از جانب دولت - ملیتها از هر زمان دیگری ضروری تر بنظر میاید ، یعنی استفاده از نیرو و توان خلقهای تحت ستم بمنظور تشکیل جامعه ای بر اساس همزیستی مسالمت آمیز طبقاتی و دفاع از روابط و مناسبات موجود . سیاستی که هم اکنون در شمال و جنوب و شرق و غرب کردستان از جانب امپریالیسم و جریان خرده همپیمان آن اجرا شده و تبلیغ میگردد.

دفاع پ - ک - ک از منافع خرده بورژوازی متوسط و بالایی روستا و شهر کردستان ترکیه برخی اوقات در تضاد با منافع بورژوازی کرد قرار گرفته و خود را در غالب جنگهای مابین این جریان با نیروهای بورژوازی کردی در عراق نظیر حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان عراق آشکار میسازد و شاهد بوده ایم که چگونه بورژوازی کرد با تمام توان خویش سعی نموده تا خرده بورژوازی متوسط و بالایی روستا و شهر کردستان ترکیه و جریان سیاسی که آنرا نمایندگی میکند را تحت انقیاد خویش در آورند . ماهیت جنگ جریان خرده بورژوازی کرد در بخشهای دیگر کردستان هم در همین چهارچوب قابل ارزیابی است . حال ممکن است این جنگ در بخش دیگری از کردستان مقابله بورژوازی کرد و بقایای زمینداران و فیودالها با خرده بورژوازی فقیر و تهیدست روستاها بوده باشد که در تشکلات مخصوص به خویش سازماندهی شده بودند . پ - ک - ک هرچند بنا به خاستگاه طبقاتی آن از بدو تاسیس تا به امروز جریانی کارگری و رادیکال بشمار نمیاید ، اما به خاطر اینکه مدافع منافع خرده بورژوازی متوسط و پایین شهر و روستاهای کردستان ترکیه در مقابله با بورژوازی حاکم و وابسته به امپریالیسم است در صف انقلاب جای دارد و نمیتوان ملاک و معیار قضاوت خویش را برای انقلابی بودن این جریان بر این مبنا قرار دهیم که چون مارکسیست - لنینیست نیستند ، پس ضد انقلابند . روند روبه پیش مبارزه طبقاتی مسیر هر جریان سیاسی را تعیین میکند و تعمیق و حاد شدن تضاد طبقاتی ، جریان سیاسی را وادار به اتخاذ موضع مینماید ، حتی اگر موضعگیری آنها بسیار چپ و رادیکال باشد اما در پراتیک ممکن است بسیار راست گرایانه عمل نمایند . به همین خاطر ملاک و معیار قضاوت مارکسیست - لنینیستها تیوری انقلابی همراه با پراتیک انقلابی است نه تنها تیوری انقلابی بدون پراتیک و یا پراگماتیسم خشک و

خالی و بی ماهیت ، اکنون و با شناخت نسبی از حزب مادر یعنی پ - ک - ک میتوان در مورد پژاک یا شاخه کردستان شرقی (کردستان ایران) این جریان قضاوت کرد.

البته که وقتی میگوییم پژاک شاخه ایرانی پ - ک - ک است باید بدانیم و این واقعیت را قبول نماییم که این جریان پیرو سیاستهای حزب مادر است و و تاکتیک و استراتژی آنها همان تاکتیکها و استراتژی حزب مادر میباشد . البته بایستی در نظر داشت که ملاک و معیار قضاوتها در مورد جریانات سیاسی خوبی و یا بدی اشخاص و رهبران آنها نمیتواند باشد بلکه دقت در برنامه و پروگرام و همانطور که گفتیم ارزیابی خاستگاه طبقاتی جریان میباشد و نه چیز دیگری . استراتژی پژاک و پ - ک - ک ایجاد کنفدراسیون دمکراتیک در منطقه است و بحث در باره آن در این مختصر نمی گنجد و بایستی برای اطلاعات بیشتر در این مورد به مباحث رهبر پ - ک - ک عبدالله اوجالان در این مورد مراجعه کرد.

برای آگاهی میتوانید به سایتهای زیر مراجعه نمایید.

کمیته کردستان سازمان اتحاد فداییان کمونیست

مصوبه کنگره درباره پژاک

نظر کنگره درباره سند فوق که از سوی کمیته کردستان به کنگره ارائه شده بود

بحثی که رفقای کمیته کردستان سازمان در مورد حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) به کنگره ارائه داده بودند این بحث با اختلاف نظرهایی از جانب رفقا روبرو شد که به نتیجه مورد توافق اکثریت رفقا نرسید و بعد از ارائه بحث موافقین و مخالفین این قطعنامه دو پیشنهاد ارائه شد . به این مفهوم که یک پیشنهاد جهت بررسی مفصلتر، رای گیری در مورد این قطعنامه را به آینده موکول میکرد و پیشنهاد دوم که مبنی بر بلا مانع بودن همکاری با پژاک بود، به رای گذاشته شد که با اکثریت آراء پیشنهاد دوم به تصویب کنگره رسید.